

بررسی تأثیرپذیری فرزندان از والدین در بُعد عمل به باورهای مذهبی*

** غلامحسین جوانمرد

استادیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور

(تاریخ وصول: ۹۲/۱/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۲۵)

The influence of parents on the children's practice of religious beliefs

** Gholam Hossein Javanmard

Assistant professor in Psychology, Payame Noor University

(Received: Ap. 19, 2013 - Accepted: Feb. 16, 2013)

Abstract

Introduction: Religious beliefs have an important effect on psychological and social life. Most of these beliefs are transferred from parents to children. **Method:** in this descriptive - cross sectional research, 260 male and female students of universities selected by multi-stage random sampling and they and their parents completed the Mabade-2 questionnaire. Data were analyzed by Pearson correlation, t-test and multiple regression analysis methods. **Finding:** Results showed that there were significant relationship between the practice of religious beliefs of children and their mothers ($r = 0.31, p < 0.01$) and their fathers ($r = 0.23, p < 0.05$). Regression analysis showed that the practice of religious beliefs in children could be predicted significantly by their parents' practice of religious beliefs ($P < 0.01$). In additional analyses, it revealed that the practices of religious beliefs of daughters have high correlation with fathers and the practices of religious beliefs of sons have high correlation with mothers. **Conclusions:** Parents religiosity and the practices of religious beliefs have influence on children religiosity and their practices of religious beliefs.

Intodocion: religiosity, children, parents.

چکیده

مقدمه: باورهای دینی در زندگی اجتماعی و روان‌شناختی نقش مهمی برعهده دارند. بخش اعظم این باورها از والدین به فرزندان منتقل می‌شوند. این تحقیق با هدف بررسی تأثیر دینداری والدین در دینداری فرزندان انجام یافته است. روش: در این مطالعه توصیفی - مقطعی، ۲۶۰ دانشجوی پسر و دختر و والدین آنان با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای در دانشگاه‌های بناب است، نمونه منتخب با تکمیل پرسشنامه معبد-۲، مورد مطالعه قرار گرفتند. همبستگی داده‌ها با تحلیل ضریب همبستگی پیرسون، و آزمون t برای مقایسه میانگین‌ها به کار گرفته شد. همچنین تحلیل واریانس یک‌راهه نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار برده شد. یافته‌ها: تحلیل داده‌ها نشان داد که رابطه معناداری بین عمل به باورهای دینی فرزندان و مادران ($r = 0.31, p < 0.01$) و عمل به باورهای دینی فرزندان و پدران ($r = 0.23, p < 0.05$) وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که عمل به باورهای دینی در فرزندان به‌طور معناداری توسط عمل به باورهای دینی در والدین پیش‌بینی می‌شود ($p < 0.01$). اما در بررسی جداگانه دیده شد که همبستگی عمل به باورهای دینی فرزندان پسر با مادرانشان و همبستگی عمل به باورهای دینی فرزندان دختر با پدرانشان بیشتر بود. نتیجه‌گیری: دینداری و عمل به باورهای دینی والدین با دینداری و عمل به باورهای دینی فرزندان با هم رابطه دارند.

واژگان کلیدی: دینداری، فرزندان، والدین.

* این مقاله برگرفته از پژوهشی است که با حمایت مالی دانشگاه پیام‌نور آذربایجان شرقی انجام گرفته است.

E-mail: ghosseinjavan@yahoo.com

** نویسنده مسؤول: غلامحسین جوانمرد

مقدمه

یونگ دین را یکی از قدیمی‌ترین و عمومی‌ترین تظاهرات روح انسان دانست و از این رو، نمی‌توان دست کم اهمیت دین را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و تاریخی نادیده گرفت (به نقل از کجباف و رئیس‌پور، ۱۳۸۷). عقاید و اعمال مذهبی در همه گروه‌های انسانی یافت می‌شود. به همین جهت وجود مذهب (در هر جامعه‌ای) یک امر طبیعی به‌نظر می‌رسد (بویر، ۲۰۰۳، به نقل از الیسون، ۲۰۰۹). بیشتر خانواده‌ها براساس باورهای مذهبی یا معنوی‌شان زندگی می‌کنند. به‌نظر پرگامنت (۱۹۹۷) مذهب راهی را برای اهمیت و معنی دادن به جهان پیرامون فراهم می‌سازد.

باورهای دینی نیز مثل ارزش‌ها، نگرش‌ها، سنت‌ها و هنجارها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. این انتقال به عنوان زنجیری، انسان‌ها و در نهایت جوامع را در تدامی به هم پیوسته نگه می‌دارد. برای این انتقال یا در عبارت پیازه‌ای تفویض اجتماعی، بزرگسالان به‌عنوان انتقال دهنده عمل می‌نمایند. در این بین خانواده در مورد فرزندان نقش کلیدی ایفاء می‌کند.

مذهب و معنویت به‌عنوان عوامل مهمی که خیلی از افراد به آن‌ها به‌عنوان راهنمای زندگی و منبع حمایت نگاه می‌کنند مورد توجه قرار گرفته‌اند (هاک، ۲۰۰۸). برخی مذهب را به‌عنوان بیان خاص و عینی معنویت می‌دانند که تجارب قبلی از معنویت و تبلور آن در اشکال خاص را دربر می‌گیرد (آندرسون^۱ و ورثن^۲، ۱۹۹۷). آلپورت معتقد است که افراد به شکل‌های مختلف از مذهب استفاده می‌برند. این شکل‌ها عمدتاً به دو نوع حقیقی و ظاهری تقسیم می‌شود. افرادی که جهت‌گیری حقیقی به مذهب‌شان دارند به احتمالاً سطح اضطراب، استرس، افسردگی پایین‌تری دارند. ولی اشخاصی که به‌صورت ظاهری مذهبی هستند و از مذهب به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌کنند، سطح بالایی از اضطراب، نگرانی و گناه را تجربه می‌نمایند (هاملین

گلور^۳، ۲۰۰۹). اریکسون معتقد است که مذهب به‌عنوان مجموعه‌ای از آیین‌ها و کارکردها تأثیر زیادی بر رشد شخصیت موفق دارد. پارگمنت با بررسی نظریات مختلف معتقد است که مذهب می‌تواند موفقیت فرد را برای رسیدن به بالقوگی‌های والا پرورش دهد (پارگمنت^۴، ۱۹۹۷). بیشتر خانواده‌ها طبق روشی که باورهای مذهبی یا معنوی‌شان می‌گویند زندگی می‌کنند. به‌نظر پرگمنت مذهب راهی را برای اهمیت و معنی دادن به جهان پیرامون فراهم می‌سازد.

پژوهش‌های زیادی در زمینه دین در حوزه‌های روان‌شناسی صورت گرفته است. این پژوهش‌ها به مقوله‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که دو مقوله مهم آن تأثیر عمل به باورهای دینی بر بهداشت روانی و رابطه دین و مسائل اجتماعی می‌باشد (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷). در وجهی دیگر نوع سومی نیز وجود دارد که می‌توان اهمیت آن را مورد توجه قرار داد، و آن حوزه‌ای است که در آن به ارتباط بین عمل به باورهای مذهبی و برخی ویژگی‌های شخصیتی پرداخته می‌شود. از دیدگاه شناختی باورهایی چون تفکر دینی نیز در مجموعه وسیعی از فرآیندها و مفاهیم شناختی شکل می‌گیرد (لگار و همکاران، ۲۰۰۹)، بنابراین می‌تواند با ویژگی‌ها و صفات شخصیتی نیز در ارتباط باشد و یا تحت تأثیری متقابل با آن‌ها قرار گیرد (هاملین گلور، ۲۰۰۹). در این زمینه مطالعه کراس (۲۰۰۳) نشان داد که سطوح بالایی از رضامندی، عزت‌نفس و خوش‌بینی بزرگسالان به حس معنایی که آنان از مذهب برای زندگی‌شان یافته‌اند مربوط می‌شود. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که معنویت و مذهب نقش‌های مهمی در مقابله با استرس‌ها بازی می‌کنند (اولسون ۱۹۹۵، وندل ۲۰۰۳، مک تاویش و ایواسکی ۲۰۰۵، به نقل از لگار و ویزالا، ۲۰۱۱).

انسان در طی رشد خود در خانواده و به‌طور کلی در اجتماع ارزش‌های مختلفی را یادگرفته و درونی می‌کند. این

3. Hamlin-Glover
4. Pargament

1. Anderson
2. Worthen

مناسب است (هومن، ۱۳۸۰). در کل باید گفت پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از داده‌های حاصل از یک گروه ۷۸۰ نفری، به نمونه معرفی از جامعه دست پیدا کند.

ابزارها

مقیاس عمل به باورهای دینی (معبد دو): آزمون معبد دو در سال ۱۳۸۰ توسط گلزاری ساخته شد. فرم اولیه آن ۸۱ سؤالی بود که پس انجام تمامی مراحل آزمون‌سازی به ۶۵ سؤال تقلیل یافت. ۶۰ سؤال این پرسشنامه پنج گزینه‌ای همیشه، بیشتر وقت‌ها، بعضی وقت‌ها، به ندرت، اصلاً (از صفر تا ۴) و ۵ سؤال آن به شکل پنج گزینه‌ای با گزینه‌های خاص هر سؤال نمره‌گذاری شده است. این پرسشنامه در زمینه عمل به واجبات، دوری از محرمات، عمل به مستحبات، دوری از مکروهات، انجام فعالیت‌های مذهبی می‌باشد که به چگونگی تصمیم‌گیری و انتخاب‌های رایج بین مسلمانان در این خصوص می‌پردازد.

در مطالعات انجام شده، روایی مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی برابر با ۰/۸۶ به دست آمد. همچنین ضریب همبستگی بین پاسخ کتبی آزمودنی‌ها به پرسشنامه مورد نظر و رتبه‌بندی مسئولین دانشگاه محاسبه شد و ضریب همبستگی مربوط به آن برابر با ۰/۵۷ به دست آمد. بنابراین، به نظر می‌رسد که ابزار اندازه‌گیری التزام عملی به اعتقادات اسلامی از روایی کافی برخوردار باشد. برای بررسی پایایی مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی نیز از روش بازآزمایی استفاده شد. مدت زمان بین اجرای دو آزمون یک هفته بود. ضریب پایایی بدست آمده براساس شیوه بازآزمایی برابر با $r_{xy} = 0.81$ بود. در پژوهش دیگری اعتبار آزمون معبد ۲ با روش محاسبه آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۷ و با شیوه بازآزمایی معادل ۰/۷۶ و با روش دو نیمه کردن آزمون معادل ۰/۹۲ گزارش شده است (گلزاری، ۱۳۸۲). در آزمون معبد دو نمره هر آزمودنی از صفر تا ۲۶۵ در نوسان است (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷).

فرآیند درونی‌سازی تحت عنوان جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن نامیده می‌شود. ارزش‌های دینی و عمل به باورهای دینی نیز به این شکل از والدین به فرزندان انتقال می‌یابند که این فرآیند را انتقال ارزش‌ها می‌گویند.

ولی با وجود اهمیت آشکار مذهب در زندگی کودکان و نوجوانان، به طور قابل ملاحظه‌ای توجه علمی کمتری به نقش دینداری در زندگی کودکان و نوجوانان در فرهنگ ما معطوف شده است. چنانچه در پژوهش‌هایی که به رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی و... پرداخته‌اند، بحث‌هایی نیز در زمینه رشد دینداری در کودکان ارائه شده اما می‌توان گفت این نظریات به خودی خود کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

با این همه و در پایان باید گفت زمانی که دین باوری چنین اهمیتی در زمینه‌های مختلف زندگی انسان ایفاء می‌کند، فرآیند انتقال آن از والدین به فرزندان دارای اهمیت زیادی خواهد بود. که این امر مسأله اصلی پژوهش حاضر خواهد بود یعنی پرداختن به این مسأله که آیا بین عمل به باورهای دینی والدین و دانشجویان رابطه‌ای وجود دارد؟ زیرا با روشن شدن این ارتباط می‌توان از این نتایج در برنامه‌های پرورشی خانواده‌ها در سطح جامعه استفاده کرد. علاوه بر این که این‌گونه پژوهش‌ها به طور کلی می‌توانند فلسفه پرورشی حاکم بر جامعه را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

روش

با توجه به این که هدف اصلی پژوهش حاضر کشف ارتباط بین باورهای دینی میان والدین و فرزندان آن‌ها است، پژوهش حاضر روش همبستگی را به کار برده، روشی که در آن با گردآوری اطلاعاتی در مورد عمل به باورهای دینی از نمونه‌ها به همبستگی این متغیر در دو گروه پرداخته شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر را ۲۶۰ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی و ۵۲۰ نفر از والدین (۲۶۰ مادر و ۲۶۰ پدر) تشکیل می‌دهند، که به آزمون عمل به باورهای مذهبی (معبد ۲) پاسخ دادند. در کل می‌توان گفت ۷۸۰ آزمودنی در این پژوهش شرکت داشته، که این تعداد نمونه برای این روش

نسخه هم به هریک از دانشجویان داده شد تا والدین آنان نیز پاسخنامه‌ها را تکمیل نمایند. پاسخنامه‌ها با کدبندی مشخص می‌شد و به این طریق به آزمودنی‌ها این اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه خواهد ماند.

یافته‌ها

برای نشان دادن وضعیت متغیر در بین چهار گروه مادران، پدران، دختران و پسران آماره‌های توصیفی آن‌ها محاسبه گردید و نتیجه حاصل در جدول شماره ۱ نشان داده می‌شود.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی گروه‌های نمونه (مادران، پدران، دختران و پسران دانشجو).

گروه‌ها	تعداد	حد پایین	حد بالا	میانگین	انحراف استاندارد
باور دینی مادر	۲۶۰	۱۱۳	۲۵۶	۲۱۰٫۳۴	۳۳/۳۴
باور دینی پدر	۲۶۰	۱۰۰	۲۵۳	۲۰۲٫۹۴	۳۶/۳۶
باور دینی دختر	۱۳۰	۱۰۶	۲۴۶	۱۹۹٫۹۳	۳۷/۳۷
باور دینی پسر	۱۳۰	۹۸	۲۵۰	۱۹۶٫۶۷	۳۷/۳۸

گردد. به این منظور آزمون لون انجام شد و نتایج به دست آمده نشان داد که واریانس نمره‌های دو گروه همگن (یکنواخت) می‌باشد. برای مقایسه باور دینی پدران، مادران و فرزندان از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. خلاصه تحلیل واریانس یک‌راهه باور دینی والدین و فرزندان.

شاخص منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۴۲۲۷/۲۵	۲	۲۱۱۳/۶۳	۲/۵۲	۰/۰۸۴
درون گروه‌ها	۱۲۳۱۲۱/۸۲	۷۷۷	۸۳۷/۵۶		
کل	۱۲۷۳۴۹/۱	۷۷۹			

فرزندان پسر و پدران و مادران آن‌ها اجرا شد. به‌طور جداگانه آزمون همبستگی و آزمون معنی‌داری آن درباره نحوه ارتباط عمل به باورهای دینی در فرزندان پسر با عمل به باورهای دینی در مادر و پدرانشان مورد آزمون قرار گرفت.

پرسشنامه اطلاعات فردی: این پرسشنامه حاوی چند پرسش در ارتباط با اطلاعات دموگرافیک آزمودنی یا همان گروه نمونه بود. جهت تسهیل در امر جمع‌آوری اطلاعات، این پرسش‌ها به اول مقیاس عمل به باورهای دینی (معبد دو) اضافه گردید.

روش اجرا

مقیاس التزام عملی به اعتقادات اسلامی بر روی نمونه انتخاب شده اجرا گردید و پاسخنامه‌ها جمع‌آوری گردید. دو

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین باور دینی مادران ۲۱۰/۳۴، باور دینی پدران ۲۰۲/۹۴، باور دینی دختران ۱۹۹/۹۳، و باور دینی پسران ۱۹۶/۶۷ بدست آمده است. برای انجام آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه لازم بود آزمون انجام شود تا همگنی واریانس‌ها مورد بررسی قرار

نتایج حاصل نشان می‌دهند که میانگین باور دینی پدران، مادران و فرزندان، تفاوت معناداری با هم ندارند. برای بررسی ارتباط موجود در بین باورهای دینی والدین و فرزندان از همبستگی پیرسون و آزمون معنی‌داری همبستگی استفاده شد. در وهله نخست آزمون همبستگی پیرسون برای باور دینی

جدول ۳. ماتریس همبستگی پیرسون بین اندازه‌های باور دینی دانشجویان پسر و پدران و مادران آن‌ها.

شاخص	باور دینی پدر	باور دینی مادر	باور دینی پسر
باور دینی پدر	-		
باور دینی مادر	۰/۴۷**	-	
باور دینی پسر	۰/۲۳*	۰/۳۱**	-

با توجه به جدول ۳، همبستگی بین باور دینی مادران و پدران دانشجویان پسر ۰/۴۷، همبستگی بین باور دینی دانشجویان پسر و مادرانشان ۰/۳۱ و همبستگی باور دینی دانشجویان پسر و پدرانشان برابر ۰/۲۳ بدست آمد. این نتایج همبستگی باور دینی والدین را با توجه به ملاک‌های کوهن (۱۹۸۸) بالاتر ارزیابی کرده که برای تفسیر شدت این همبستگی که همبستگی متوسطی محسوب می‌گردد، همبستگی بین باور دینی مادر و پسر و در نهایت باور دینی پدر و پسر

مورد بررسی قرار گرفت. از این نتایج بر می‌آید که عمل به باورهای دینی فرزندان پسر با عمل به باورهای دینی مادران نسبت به پدران ارتباط بیشتری دارد. برای بررسی ارتباط بین باورهای دینی مادران، پدران، و دختران از آزمون همبستگی پیرسون و معنی داری آن استفاده شد و ارتباط بین باورهای پدران و مادران با دخترانشان به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۴. ماتریس همبستگی پیرسون بین اندازه‌های باور دینی دانشجویان دختر و پدران و مادران آن‌ها.

شاخص	باور دینی پدر	باور دینی مادر	باور دینی دختر
باور دینی پدر	-		
باور دینی مادر	۰/۴۷**	-	
باور دینی دختر	۰/۳۹**	۰/۲۸*	-

با توجه به جدول ۴، همبستگی بین باور دینی دانشجویان دختر و مادرانشان ۰/۲۸ و همبستگی باور دینی دانشجویان دختر و پدرانشان برابر ۰/۳۹ بدست آمد که از این مقادیر، همبستگی باور دینی پدران و دختران در سطح ۰/۰۱ و همبستگی باور دینی دختران و مادران در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشند و با توجه به ملاک‌های کوهن (۱۹۸۸)، برای تفسیر شدت این همبستگی‌ها، همبستگی باور دینی دختران و پدران متوسط و همبستگی باور دینی دختران و مادران ضعیف محسوب می‌گردند. یک موضوع مهم این است همبستگی عمل به باورهای دینی دختران با پدران بیشتر از همبستگی عمل به باورهای دینی دختران با مادرانشان است.

نتیجه‌گیری و بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عمل به باورهای دینی در والدین و فرزندان تفاوت معنی‌داری ندارد. اما ارتباط معنی‌داری میان عمل به باورهای دینی والدین و فرزندان یافت شد. در بررسی ارتباط عمل به باورهای دینی فرزندان پسر و دختر خانواده با مادران و پدران، به‌طور جداگانه نشان داد که شدت همبستگی در عمل به باورهای دینی فرزندان پسر با مادر و فرزندان دختر با پدر بیشتر است. شاید این یافته را این‌گونه بتوان تفسیر کرد که در سنینی که آموزه‌های دینی انتقال یافته و آموخته می‌شوند تأثیرپذیری فرد از والد جنس مخالف حداقل در عمل به باورهای دینی بیشتر از والد هم جنس است، یا به عبارت دیگر، این تأثیرپذیری نشان از

۵۰ دختر و ۵۰ پسر پایه سوم متوسطه با موضوع مقایسه ترجیح نظام ارزشی والدین و فرزندان انجام دادند. نتایج به دست آمده نشانگر تفاوت معنی دار بین والدین و فرزندان از نظر ارزش فردی بود. نتایج به دست آمده از مقایسه شدت جهت گیری ارزشی والدین و فرزندان بیانگر تفاوت معنی دار بین والدین و فرزندان از نظر ارزش خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری و دینی بود.

نتیجه گیری آنان نشان دهنده عدم وجود تفاوت معنی دار از نظر اغلب مقوله های نظام ارزشی بین والدین و فرزندان بیانگر همسانی نظام ارزشی بین دو نسل بود. همچنین، بالاتر بودن شدت جهت گیری ارزشی والدین نسبت به فرزندان بیانگر ریشه دارتر بودن نظام ارزشی آنها و پایبندتر بودن والدین به ارزش ها تلقی گردید. یافته های پژوهش حاضر با یافته های پژوهش فوق در بخش اول آن در یک راستا قرار می گیرد. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر نیز نشان داد که تفاوت معنی داری بین عمل به باورهای دینی در والدین و فرزندان وجود ندارد. البته با بررسی میانگین های والدین و فرزندان نیز مشخص می شود که نمرات عمل به باورهای دینی در والدین بیشتر از نمرات عمل به باورهای دینی فرزندان بود، و این نیز در راستای یافته بعدی پژوهش فوق می باشد. همچنین نتایج نشان دادند که قدرت شدت همبستگی عمل به باورهای دینی پدران با عمل به باورهای دینی مادران بیش از فرزندان است. این نیز نشان می دهد که حداقل در نمونه پژوهشی ما شاید نقش عمل به باورهای دینی در انتخاب همسر از اهمیت زیادی برخوردار است. یعنی شباهت همسران در زمینه التزام عملی به باورهای دینی به همدیگر زیاد است. این شباهت ارزشی همسران موجب انسجام خانوادگی بیشتری می شود.

وابستگی های دوره های اوایل کودکی رشد شخصیت از والد غیرهمجنس است که در نظریه های روان پویایی به آن اشاره شده.

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد پژوهشگر در مطالعه ادبیات پژوهشی نتوانست به پژوهشی که مستقیماً به موضوع رابطه بین عمل به باورهای دینی در فرزندان و والدین پردازد دست یابد. ولی در پژوهش هایی در قالب موضوعاتی نظیر بررسی ارزش های در والدین و فرزندان به موضوع ارزش های مذهبی نیز اشاره های انجام شده بود. به عنوان مثال، در پژوهشی کلدی و جمشیدی (۱۳۸۴) نشان دادند که از نظر دانش آموزان، میان تشنگی ارزشی پرسیده شده بین دو نسل، گروه مرجع بودن پدران برای فرزندان، میزان فردگرایی فرزندان، سبک های تربیتی والدین (مستبدانه، مقتدرانه و سهل گیرانه)، بحران هویت فرزندان، تازگی پیام ارزشی از طرف پدران، وضوح در ارزش های پدران، یا تعارض ارزشی بین پدران - فرزندان رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین در پژوهش دیگری زارع و اصل روستا (۱۳۸۹) نشان دادند که تفاوت معناداری بین ارزش های اجتماعی دو نسل در زمینه انتخاب همسر از قبیل سن مناسب برای ازدواج پسر و دختر، ارجحیت زیبایی یا نجابت همسر، ارجحیت تحصیلات بالا یا اصالت خانوادگی همسر، معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر و ازدواج فامیلی وجود دارد. یافته های پژوهش های کلدی و جمشیدی (۱۳۸۴) و زارع و اصل روستا (۱۳۸۹) در مورد برخی از ارزش های خاص که در بالا ذکر شد، حاکی از تفاوت معنی دار در بین دو نسل بود. ولی نتایج پژوهش حاضر نشان دهنده عدم تفاوت معنی دار عمل به باورهای مذهبی در بین دو نسل بود، که بیانگر عدم هم راستایی با نتایج این دو پژوهش می باشد.

همچنین مطالعه مشابهی را جزء مطلبی، فتحی آشتیانی، و حبیبی (۱۳۸۹) با نمونه ۲۰۰ نفر شامل ۵۰ پدر، ۵۰ مادر،

منابع

- جزء مطلبی، د؛ فتحی آشتیانی، ع. و حبیبی، م. (۱۳۸۹). «مقایسه نظام ارزشی دو نسل؛ فرزندان و والدین». مجله علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۶۸-۶۵.
- روحانی، ع. و معنوی پور، د. (۱۳۸۷). «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه». دانش و پژوهش در روانشناسی. شماره ۳۵ و ۳۶، صص ۱۸۹-۲۰۶.

- والدین و فرزندان از دیدگاه دانش‌آموزان. *رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۹.
- گلزاری، م. (۱۳۸۲). فرم تجدید نظر شده مقیاس عمل به باورهای دینی (معبد ۲). چکیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی. تهران، مؤسسه حوزه و دانشگاه.
- هومن، ح.ع. (۱۳۸۰). روش تهیه آزمون هوش: هوش آزمای تهران - استنفرد - بینه. با همکاری دکتر غلامعلی افروز. (برنده جایزه خوارزمی) ۱۳۷۵.
- Anderson, D.A. & Worthen, D. (1997). "Exploring the fourth dimension: Spirituality as a resource for the couple therapist". *Journal of Marital and Family Therapy*, 23, 3-12.
- Ellison, C.G.; Burdette, A.M. & Hill, T. D. (2009). "Blessed assurance: Religion, anxiety, and tranquility among US adults." *Social Science Research*, Volume 38, Issue 3, Pages 656-667.
- Hamlin-Glover, D.L. (2009). *Spirituality, Religion, and Resilience among Military Families*. Dissertation of Doctor of Philosophy, the Florida State University College of Human Sciences. USA.
- Haque, A. (2008). "Psychology and Religion: Their Relationship and Integration from an Islamic Perspective." *The American Journal of Islamic Sciences* 15:4.
- Krause, N. (2003). "Religious meaning and subjective well-being in late life." *Journal of Gerontology*, 58 (3), S160-170.
- Legare, C.H. & Visala, A. (2011). "Between religion and science: Integrating psychological and philosophical accounts of explanatory coexistence." *Human Development*, 54, 169-184.
- Pargament, K.I. (1997). *The psychology of religion and coping: Theory, research, practice*. New York: Guilford Press.
- زارع، ب. و اصل روستا، ا. (۱۳۸۹). «بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر». *مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره ۱، تابستان.
- کجیاف، م. و رئیس‌پور، ح.ا. (۱۳۸۷). «رابطه بین نگرش مذهبی و سلامت روانی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه اصفهان». *دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال ۱، ش ۲، صفحات ۴۴ - ۳۱.
- کلدی، ع.ر. و جمشیدی، م. (۱۳۸۴). تعارض ارزش بین